فصلنامه مطالعات تفسیری
سال دوم، پاییز ۱۳۹۰، شماره ۷
صفحات ۹۲ ـ ۶۵

Motaleat-e Tafsiri
A Research Journal
Vol. 2, Autumn 2011, No. 7

حیات برزخی از دیدگاه آیات و روایات

مرضیه خزعلی*
سید مرتضی موسوی گرمارودی**

چکیده

چگونگی حیات برزخی و مراحل پس از آن از جمله مسائلی است که همواره ذهن انسان را به خود مشغول ساخته است. برخی از آیات قرآن نظیر: مومنون / ۱۰۱ ـ ۱۰۰؛ آل‌عمران / ۱۷۰ ـ ۱۶۹؛ یس / ۲۷ ـ ۲۶؛ مومن / ۱۱ و ۴۶؛ منافقون / ۱۰؛ نحل / ۳۲؛ به‌روشنی بیانگر وجود عالم برزخ و ویژگی‌های آن است، چنان‌که حیات جاویدان شهیدان راه خدا و پاداش‌های آنان گواه روشنی بر عالم برزخ و نعمت‌های برزخی است.
همچنین روایات فراوانی ـ که در برخی از آنها ادعای تواتر شده است ـ درباره عالم برزخ و کیفیت زندگی در آن و گزارش‌های مربوط به احوال اولیای الهی و انسان‌های متقی و گنهکار و میزان و کیفیت رابطه آنها با دنیا و مراحل عالم برزخ، در منابع فریقین آمده است.

واژگان کلیدی

عالم برزخ، حیات برزخی، نعمت‌های برزخی، عذاب برزخی، شفاعت در برزخ.

---

*. مربی دانشگاه الزهرا(س) و دانشجوی دکتری قرآن و متون اسلامی دانشگاه معارف اسلامی.
mkh3795@gmail.com
**. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی مشهد. mgarmaroodi@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۲/۱۴

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]
[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.7.3.6]

طرح مسئله

حیات برزخی یا جهان پس از مرگ و مراحل مختلف آن از مهم‌ترین آموزه‌های دینی است که بدون راهنمایی وحی مسائل آن برای انسان غیرقابل دسترسی است و اندیشه انسان به بسیاری از مسائل آن راه ندارد، ازاین‌رو حیات پس از مرگ از مشکل‌ترین مسائل بشری در طول تاریخ است و بشر از دیرزمان تلاش کرده تا سرنوشت پس از مرگ خویش را دریابد و پاسخی روشن به حس کنجکاوی خود از فرجام کار جهان بدهد و همواره این سؤال مطرح بوده است که آیا با مرگ شعله زندگی انسان برای همیشه خاموش می‌شود و یا با مرگ حیات دیگری که باشکوه‌تر از حیات دنیوی است، آغاز می‌گردد؟

فیلسوفان و متفکران غیردینی در این باره پاسخ قانع‌کننده‌ای به انسان نداده‌اند؛ چراکه فکر آنها از عالم ماده فراتر نمی‌رود و راهی به جهان پس از مرگ ندارد. اما فیلسوفان الهی به کمک وحی بهترین پاسخ را به پرسش‌های انسان‌ها داده‌اند که وجدان، عقل و منطق آن را تأیید می‌کند. از دیدگاه دین مرگ پایان زندگی بشر نیست بلکه آغاز مهم‌ترین حوادث و رویدادهاست که نخستین مرحله آن، زندگی برزخی است.

مفهوم‌شناسی برزخ

برزخ از نظر لغوی به‌معنای حائل و فاصله میان دو چیز است و به هر آنچه که میان دو چیز یا دو مرحله قرار گیرد، برزخ گویند. (ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۱ / ذیل مدخل برزخ) و در اصطلاح مفسران و متکلمان عمدتاً به‌معنای فاصله میان دنیا و آخرت به‌کار می‌رود. (طوسی، ۱۳۸۳: ۴ / ۳۹۴)

واژه برزخ در قرآن مجید سه بار به‌کار رفته است. مقصود از برزخ در دو آیه همان معنای لغوی است؛ یکی در آیه شریفه: «بَینَهُمَا بَرْزَخٌ لَا یبْغِیانِ»، (الرحمن / ۲۰) و دیگر در آیه شریفه «وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَینِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَینَهُمَا بَرْزَخاً»؛ (فرقان / ۵۳) در این دو آیه برزخ به‌معنای «حاجب و حائلی» است که در دریا بین آب شیرین و شور قرار دارد و از مخلوط شدن آن دو جلوگیری می‌کند.

اما برزخ در آیه «حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ * لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِیمَا تَرَكْتُ

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.7.3.6]

كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يوْمِ يبْعَثُونَ» (مؤمنون / ۱۰۰ ـ ۹۹) به‌معنای جهان غیبی و به‌عنوان یکی از منازل و مراحل پس از مرگ به‌کار رفته است.

براساس این آیه شریفه و روایات بسیار که واژه برزخ در آن استعمال شده است، به جهان پس از مرگ تا برپایی روز قیامت «جهان برزخ» می‌گویند.

برزخ در آیات

افزون بر آیات ۹۹ و ۱۰۰ سوره مؤمنون، آیات متعددی وجود دارد که به صراحت یا اشاره از عالم برزخ سخن به میان آورده است. در اینجا به ذکر چند آیه که برخی بیانگر پاداش صالحان در عالم برزخ، و برخی بازگوکننده عذاب صالحان در این عالم است، می‌پردازیم:

الف) آیات ۱۶۹ و ۱۷۰ سوره آل‌عمران:

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يرْزَقُونَ * فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيهِمْ وَلَا هُمْ يحْزَنُونَ.

ای پیامبر هرگز گمان مبر آنها که در راه خدا کشته شدند مرده‌اند، بلکه زنده هستند و در نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند آنها به آنچه خداوند از فضل خود داده است، خشنودند و نسبت به کسانی که به آنها ملحق نشده‌اند نیز بشارت می‌دهند که هیچ ترس و اندوهی بر آنها نیست.

در این آیه به نعمت‌ها و الطاف خداوند نسبت به شهدا و خشنودی و شادمانی آنان از الطاف الهی و به زندگی به دور از اندوه آنان در عالم پس از مرگ اشاره شده است. (نظیر این آیه، در سوره بقره آیه ۱۵۴ است)

ب) آیات ۲۶ و ۲۷ سوره یس:

قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يا لَيتَ قَوْمِي يعْلَمُونَ * بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ.

(مؤمن آل‌فرعون حبیب نجار، وقتی که به‌دست ستمگران به شهادت رسید) از

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.7.3.6]

طرف خداوند بـه او گفتـه شـد وارد بهشـت شـو، او گفـت: ای کـاش قـوم مـن می‌دانستند که پروردگارم مرا آمرزیده و از گرامی داشتگان قرار داده است.

ج) آیات ۴۶ و ۴۷ سوره مؤمن:

وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ * النَّارُ يعْرَضُونَ عَلَيهَا غُدُوًّا وَعَشِيا وَيوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ.

به فرعونیان عذاب سخت نازل گردید، همان آتش کـه هـر صـبح و شـام بـر آن عرضه می‌شوند، و روزی که قیامت برپا می‌گردد دستور داده می‌شود، آل‌فرعـون را در سخت‌ترین عذاب‌ها وارد کنید.

این آیه از دو جهت دلیل بر حیات برزخی است:

یک) اینکه در این آیه از آتشی سخن به‌میان آمده که هر صبح و شام بر آل‌فرعون عرضه می‌شود و این همان عذاب برزخی است چراکه وجود صبح و شام از ویژگی‌های عالم دنیوی و برزخی است و در عالم قیامت چنین چیزی وجود ندارد.

دو) دیگر اینکه این آیه از وجود عـذاب قیامـت خبـر داده اسـت و اینکـه آل‌فرعـون بـه شدیدترین عذاب گرفتار خواهند شد.

د) آیه ۱۱ سوره مؤمن:

قَالُوا رَبَّنَا أَمَتَّنَا اثْنَتَينِ وَأَحْيَيتَنَا اثْنَتَينِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ.

آنها می‌گویند خدایا ما را دوبار میرانـدی و دوبـار زنـده کـردی، هـم اکنـون بـه گناهان خود اعتراف داریم آیا راهی برای خروج از (دوزخ) وجود دارد؟

این آیه گفتار کافران در قیامت است، روشن است که تصور دوبـار مـرگ و دوبـار حیـات بدون تصور وجود عالم برزخ بی‌معناست. این دوبار مردن و دوبار زنـده شـدن بـدین صـورت است: مردن در دنیا، زنده شدن در برزخ، مردن در برزخ و زنده شدن در قیامت.

این آیات هر کدام به‌گونه‌ای از قرار گرفتن انسان پس از مرگ در عالمی دیگر حکایت می‌کند که در آنجا از نعمت و عذاب الهی برخوردار است و این نشان از حیات و زندگی در آن عالم دارد.

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.7.3.6]

ه) آیه ۱۰ سوره منافقون:

وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ.

از آنچه به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید، قبل از آن که مرگ یکی از شما فرا رسد و بگوید: پروردگارا چرا مرگ مرا مدت کمی به تأخیر نینداختی تا صدقه دهم و انفاق کنم و از صالحان باشم.

این آیه نیز به این نکته اشاره دارد که عالم برزخ، عالمی پس از مرگ و پیش از قیامت است که گنهکاران در آن درخواست و آرزوی بازگشت و جبران کاستی‌ها در دین می‌کنند اما به آنها پاسخ داده می‌شود که هیچ بازگشتی در کار نیست. (نیز بنگرید به: مؤمنون / ۱۰۰)

افزون بر این در آیات متعددی از قرآن از مرگ، تعبیر به «توفی» (قبض و دریافت روح، نه مرگ) شده است مثلاً در آیه ۴۲ سوره زمر چنین آمده است: «**الله یتوفی الانفس حین موتها...** ؛ خداوند، ارواح را هنگام مرگ، قبض و دریافت می‌کند».

این تعبیر نیز بیانگر زنده بودن روح انسان پس از مرگ جسم اوست. همچنین در آیه ۲۵ سوره نوح آمده است:

مِمَّا خَطِيئَاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا.

سرانجام همه آنها (قوم گنهکار نوح﵇) به‌خاطر گناهانشان غرق شدند و در آتش دوزخ وارد شدند و جز خدا یاورانی برای خود نیافتند.

از این آیه استفاده می‌شود که قوم گنهکار نوح﵇ پس از غرق شدن، بلافاصله وارد آتش دوزخ شده‌اند و از آنجاکه هنوز روز قیامت برپا نشده است مقصود از این دوزخ، همان دوزخ عالم برزخ است.

و) آیات حکایت‌گر گفت‌وشنود ملائکه و انسان‌ها:

از دیگر دلایل وجود عالم برزخ آیاتی است که بیانگر یک سلسله گفت و شنودها میان ملائکه و انسان‌های نیکوکار و بدکار است در این آیات فرشتگان پس از این گفتگوها خطاب

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.7.3.6]

به انسان‌های صالح و نیکوکار می‌گویند از نعمت‌های الهی بهره ببرید. ازاین‌رو آنها را در انتظار رسیدن قیامت نمی‌گذارند. دو آیه زیر می‌تواند شاهدی بر این گفتار باشد:

یک. آیه ۳۲ سوره نحل:

الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمُ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ.

کسانی که ملائکه آنها را درحالی‌که پاکیزه هستند تحویل می‌گیرند به آنان می‌گویند: درود بر شما همانا به موجب کردارهای شایسته خود داخل بهشت شوید.

با توجه به آیات دیگری در قرآن که بهشت و جهنم را برای قیامت می‌داند و ورود به آن پس از برپایی قیامت محقق خواهد شد، می‌توان فهمید که بهشت یاد شده در آیه فوق بهشت برزخی است که انسان‌های پاک و ناآلوده به محض مردن به آن وارد می‌شوند و از نعمت‌های بی‌کران آن بهره می‌برند.

دو. آیات ۲۶ و ۲۷ سوره یس:

قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يا لَيْتَ قَوْمِي يعْلَمُونَ * بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ.

پس از مرگ به او گفته شد داخل بهشت شو و او گفت ای کاش قوم من (که سخن مرا نشنیدند) اکنون می‌دانستند که چگونه پروردگارم مرا آمرزید و مرا از گرامی داشتگان قرار داد.

همان‌طور که قبلاً گذشت این آیه سخن مؤمن آل‌فرعون است که پس از مرگ آرزو می‌کند که کاش قوم او بودند و جایگاهش را می‌دیدند. با دقت در این آیه درمی‌یابیم که این آرزو فقط با حیات برزخی سازگار است که قوم او هنوز در این دنیا بودند و وی به جهان دیگر منتقل شده است و در این صورت است که آرزوی حضور آنان و دیدن نعمت‌های الهی نسبت به وی، معنی می‌یابد؛ زیرا در عالم قیامت همه انسان‌ها از اولین و آخرین جمع هستند و این درخواست و تمنا جایی ندارد.

از مجموع آیات یاد شده و برخی دیگر از آیات قرآنی چنین استنباط می‌شود که انسان با

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.7.3.6]

مرگ نابود نمی‌شود، بلکه با مرگ، حیاتی تازه می‌یابد و به زندگی خود به‌گونه و در جهانی دیگر با شرایط خاص آن ادامه می‌دهد. قرآن نام آن را برزخ گذارده است.

برزخ در روایات

در منابع حدیثی شیعه و سنی احادیث فراوانی در ارتباط با عالم برزخ و کیفیت زندگی در آن آمده است در این روایات گزارش‌های فراوان و گسترده‌ای درباره حیات برزخی و احوال مجرمان و متقیان ارائه شده است. برخی از بزرگان در این باره ادعای تواتر نموده‌اند. چنانکه خواجه نصیرالدین طوسی در زمینه عذاب قبر می‌نویسد: «**و عذاب القبر واقع بالامکان و تواتر السمع بوقوعه**». (طوسی، ۱۳۵۳: ۳۳۷) یعنی عذاب قبر واقعیت دارد؛ زیرا از نظر عقلی ممکن است و دلیلی بر محال بودن آن وجود ندارد و روایات متواتر فراوان نیز از وقوع آن خبر داده است.

روایات مربوط به عالم برزخ بسیار است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. نخست به روایاتی در ذیل چند آیه قرآن می‌پردازیم که می‌تواند بیان‌کننده حالات مختلف و چگونگی زندگی در عالم برزخ باشد.

الف) روایات ذیل آیات

یک. آیه ۲۷ سوره ابراهیم

> يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ.
> خداوند کسانی را که ایمان آوردند به خاطر اعتقاد و گفتار ثابتشان، هم در دنیا و هم در آخرت ثابت قدم می‌دارد.

در روایات متعدد آمده: منظور آیه، ثابت قدم بودن مؤمن در عالم برزخ است. علامه طبرسی در تفسیر ***مجمع البیان*** می‌گوید:

> اکثر مفسرین متفق‌اند: منظور از آخرت در آیه فوق، عالم قبر است و آیه در مورد سؤال قبر نازل شده است و این تفسیر از ابن‌عباس و ابن‌مسعود نیز نقل شده، و از امامان معصوم روایت گردیده است؛ ازجمله امیرمؤمنان علی‌ﷺ در ضمن گفتاری فرمود: هنگامی که دو فرشته نکیر و منکر وارد قبر می‌شوند، از

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.7.3.6]

مؤمن می‌پرسند: خدا، دین و پیغمبرت کیست؟ او در پاسخ گوید: خداوند پروردگار من است و اسلام دین من و محمدﷺ پیامبر من است.
آن دو فرشته به او می‌گویند: «خداوند تو را در آنچه خشنود است ثابت قدم بدارد»، این است قول خداوند: «يثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا ...». آنگاه دری از بهشت به روی قبر او گشوده می‌شود. (طبرسی، ۱۴۰۸: ۶ / ۳۱۴)

دو. آیه ۱۲۴ سوره طه:

وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يوْمَ الْقِيامَةِ أَعْمَى.
و هر کس از یاد من روی‌گردان شود، زندگی تنگ (و پر زحمت) خواهد داشت و روز قیامت او را نابینا محشور می‌کنیم.

براساس برخی از روایات، این زندگی سخت، مربوط به عالم برزخ است. محمدباقر مجلسی روایتی از امام سجادؑ نقل می‌کند که فرمود: «این زندگی سخت، در عالم برزخ است». آنگاه می‌گوید:

مراد از «معیشت ضنک» (زندگی تنگ و سخت) در آیه فوق، عذاب قبر است و مؤید این معنی آن است که قیامت را در آیه، بعد از آن ذکر نموده است و بسیاری از مفسران این‌گونه تفسیر کرده‌اند، و نمی‌توان گفت که مراد از معیشت ضنک، بدی حال در دنیا است، زیرا بسیاری از کافران در دنیا، معیشت راحت و گوارایی دارند، ولی بسیاری از مؤمنان در دنیا برخلاف آنها، زندگی سختی دارند. علامه طبرسی در *مجمع البیان* می‌گوید: «گفته شده که منظور از «معیشت ضنک» عذاب قبر است، و این تفسیر از ابن‌مسعود و ابوسعید خدری و ... نقل شده است». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶ / ۲۱۵)

سه. آیات ۸۸ و ۸۹ سوره واقعه:

فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ * فَرَوْحٌ وَرَيحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٍ.
اما اگر انسان از مقربان باشد در روح و ریحان (در نهایت آرامش و شادمانی) و در بهشت پر نعمت است.

امام صادقؑ در تفسیر این آیه می‌فرماید: منظور از «روح و ریحان»، آرامش و شادابی

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]
[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.7.3.6]

در عالم قبر (برزخ) است، و مقصود از بهشت پرنعمت، بهشت آخرت (قیامت) می‌باشد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶ / ۲۱۷)

چهار. آیه ۶۲ سوره مریم:

وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيا.
و هر صبح و شام روزی آنها (بندگان صالح) در بهشت مقرر است.

علی بن ابراهیم قمی با استفاده از روایات می‌گوید:

منظور از این بهشت، بهشت در عالم برزخ است که ارواح افراد با ایمان به آن انتقال می‌یابد، چراکه در بهشت جاودان آخرت، صبح و شام وجود ندارد. (قمی، ۱۳۶۷: ۱۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۶ / ۲۱۸)

ب) سایر روایات

دسته دیگری از روایات که می‌توان از آنها وجود عالم برزخ را استنباط نمود عبارتند از:

یک. در حدیثی از پیامبر آمده است: «**القبر اما روضه من ریاض الجنه او حفره من حفر النیران**»، (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶ / ۲۱۴ و ۲۱۸) این حدیث در منابع شیعی با همین تعبیر از امیرمؤمنان علیه‌السلام و امام سجاد علیه‌السلام نیز نقل شده است. باید گفت مقصود از اینکه قبر باغی است از باغ‌های بهشت یا گودالی از آتش است، همان عالم برزخ است و این نکته‌ای است که از روایات مربوط به عالم برزخ می‌توان به‌دست آورد.

افزون بر این عبارت قبر باغی است از باغ‌های بهشت یا گودال آتش است حکایت از عذاب و نعمت الهی می‌کند و اینکه انسان پس از مردن یا از نعمت الهی برخوردار است یا در عذاب گرفتار خواهد بود جز با حیات برزخی معنا ندارد.

دو. پس از پایان یافتن جنگ بدر، به دستور پیامبر اجساد کشته شدگان را در چاهی ریختند پیامبر کنار چاه ایستاد و چنین فرمود:

ای اهل چاه آیا آنچه را خدا وعده داده بود دریافتید که حق است، من وعده پروردگارم را حق و قطعی یافتم. عده‌ای گفتند: ای رسول خدا، آیا آنان سخن

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.7.3.6]

شما را می‌شنوند؟ فرمود: شما نسبت به آنچه می‌گویم از آنان شنواتر نیستید و آنان بهتر از شما می‌شنوند ولی امروز نمی‌توانند پاسخ دهند. (همان: ۲۵۴)

سه. هنگام بازگشت امیرمؤمنان از جنگ صفین، آن حضرت کنار قبرستانی پشت دروازه کوفه ایستاد و خطاب به اهل قبور چنین فرمود:

ای ساکنان دیار وحشت و سرزمین خشک و سوزان، شما از ما زودتر به آن جهان رفتید و ما نیز به‌دنبال شما می‌آییم، [به شما بگویم] که پس از شما خانه‌هایتان را دیگران ساکن شدند و همسران شما به ازدواج دیگران در آمدند و اموال شما تقسیم شد. این خبری است که نزد ما بود، شما از آنجا چه خبر دارید؟ سپس به یاران خویش فرمود: آگاه باشید اگر به آنان اجازه سخن گفتن داده می‌شد به شما خبر می‌دادند که بهترین زاد و توشه تقوی و پرهیزکاری است. (سید رضی، ۱۳۷۰: ح ۱۳۰)

این احادیث حکایت از آن دارد که انسان پس از مرگ، از حیات و زندگی برخوردار است و می‌تواند با این جهان ارتباط برقرار کند و احیاناً پاسخگو نیز باشد. البته گرفتن پاسخ آنان اختصاص به گروهی دارد که چشم برزخی آنان باز شده و توانایی دیدن آن حقایق را داشته باشند.

چهار. امام صادق﵇ در حدیثی فرمود: «به خدا قسم من بر شما از عالم برزخ می‌ترسم». (حویزی، ۱۴۱۵: ۵۵۳، ح ۱۲۰)

و نیز آن حضرت در حدیث دیگری فرمود:

عالم برزخ همان قبر است و آن بهره‌مندی از ثواب و عقاب مابین دنیا و آخرت است. (همان: ح ۱۲۲)

پنج. روایاتی که به‌گونه‌های مختلف از سؤال در قبر خبر می‌دهند و اینکه چه کسانی مورد سؤال قرار می‌گیرند و از چه چیزهایی سؤال می‌شود، حکایت از آن دارد که انسان پس از مرگ از حیات و زندگی برخوردار است. امام صادق﵇ فرمود:

لایسئل في القبر الا من محض الایمان محضا او محض الکفر محضا و الاخرون یلهون عنهم. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۲ / ۲۶۶)

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.7.3.6]

تنها اشخاصی در قبر مورد سؤال قرار می‌گیرند که یا مؤمن محض یا کافر محض باشند و سایرین به حال خود رها می‌شوند.

یعنی پرسش و سؤال قبر از کسی است که در حیات دنیوی خویش برای رسیدن به حقیقت تلاش کرده است و به عقاید حقه نائل شده است و در تطبیق عمل خود با آن عقاید کوشیده هرچند در مقام عمل مرتکب خطا شده است و یا از کسی است که به حق توجه نکرده و با آنکه باید جانب حق را می‌گرفت در اثر هواهای نفسانی آن را نادیده گرفته و انکار نمود. ولی کسانی که اصطلاحاً از آنان به‌عنوان مستضعف فکری یاد می‌شود که در زندگی خویش از رشد لازم و مطلوب فکری برخوردار نبوده‌اند در قبر مورد سؤال و جواب قرار نمی‌گیرند و آنچه از روایات استفاده می‌شود این است که امر آنان موکول به مشیت و اراده حضرت حق است.

در روایت دیگری امام باقر﵇ می‌فرماید: «سؤال شدگان در قبر یا مؤمن محض و یا کافر محض هستند.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶۰؛ کلینی، ۱۳۸۸: ۳ / ۲۳۵) این احادیث و احادیثی از این قبیل فقط از این جنبه مورد توجه قرار گرفته‌اند که می‌تواند اصل وجود عالم برزخ را اثبات کند؛ چراکه سؤال و جواب و عذاب و نعمت و ... اثبات‌کننده وجود چنین جهانی است که اگر چنین عالمی وجود نداشته باشد موارد مذکور در منابع دینی بی‌معنا خواهد بود.

ویژگی‌های عالم برزخ

چنانکه گذشت در قرآن کریم نسبت به اصل وجود برزخ سخن به میان آمده است اما به ویژگی‌ها و جزئیات بیشتر در این باره اشاره نشده است ازاین‌رو می‌بایست خصوصیات و حقایق مربوط به آن عالم را در روایات معصومین﵈ جستجو نمود. در اینجا با استفاده از روایات به بخشی از ویژگی‌ها و خصوصیات حیات برزخی اشاره می‌نماییم:

الف) سؤال قبر

براساس روایات متعدد «سؤال قبر» که یکی از ویژگی‌های عالم برزخ است، مربوط به کسانی

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.7.3.6]

است که ایمان خالص یا کفر خالص دارند، ولی سایر مردم، سؤال قبر ندارند. (بنگرید به: کلینی، ۱۳۸۸: ۳ / ۲۳۵) اگرچه سایر مردم سؤال قبر ندارند اما حیات برزخی دارند چنانکه از روایات فهمیده می‌شود که فشار قبر به عموم مردم (جز اندکی از اولیای خدا) می‌رسد.

ابوبکر حضرمی گوید از امام صادق‌علیه‌السلام پرسیدیم: «چه کسانی در قبر از آنها سؤال می‌شود؟ امام‌علیه‌السلام در پاسخ فرمود: از کسانی که ایمان خالص یا کفر خالص دارند». (همان: ۲۳۷)

بعضی معتقدند که این روایات، با روایات بسیاری که در مورد سؤال قبر از عموم مردم نقل شده، تعارض دارد، ازاین‌رو گفته شده: منظور، سؤال خاص است که مخصوص مؤمن خالص و کافر خالص می‌باشد، و یا اینکه مثلاً در مورد اصل نماز، روزه، حج و ولایت از عموم مردم سؤال می‌شود؛ زیرا مستضعفین فکری و ناآگاهان در مورد جزئیات معذورند. (تویسرکانی، ۱۳۷۲: ۵ / ۳۱)

ب) سؤال فرشته نکیر و منکر

براساس روایات بسیار به هنگام مرگ انسان، دو فرشته که به نکیر و منکر نام بردار است به سراغ او می‌آیند و با طرح سؤالاتی به بازجویی از وی می‌پردازند. در حقیقت با حضور این دو فرشته نخستین دادگاه انسان، بعد از مرگ آغاز می‌گردد.

چگونگی برخورد آنها با انسان براساس میزان ایمان و انحراف او است، چنانکه ابوبصیر از امام صادق‌علیه‌السلام پرسید: آیا این دو فرشته بر مؤمن و کافر، به یک صورت، وارد می‌شوند؟ امام‌علیه‌السلام فرمود: نه. (کلینی، ۱۳۸۸: ۳ / ۲۳۹)

بنابراین پاسخ به سؤالات نکیر و منکر بر اساس روحیه و باطنی است که در دنیا داشته است.

پیامبر اکرم‌صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

> ان القبر اول منازل الاخره، فان نجا منه، فما بعده ایسر منه، و ان لم ینج منه فما بعده لیس اقل منه. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶ / ۲۴۲)
>
> قبر نخستین منزل، از منازل آخرت است، اگر انسان در این منزل نجات یافت، راه نجات در منزل‌های بعدی آسان‌تر است، و اگر از این منزل نجات نیافت، راه نجات در منزل‌های بعدی، کمتر و سهل‌تر از آن نیست.

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.7.3.6]

در اینکه چه چیزهایی مورد پرسش قرار می‌گیرد روایات مختلف است. از محتوای روایات چنین برمی‌آید که برخی پرسش‌ها نظیر پرسش‌هایی درباره اصول عقاید، کیفیت گذراندن عمر، چگونگی کسب درآمد و امثال آن حتمی است.

به‌عنوان نمونه امام سجاد﵇ می‌فرماید:

> الا و انّ اوّل ما یسألانک عن ربّک الذي کنت تعبده و عن نبیک الذي ارسل الیک و عن دینک الذي کنت تدین به و عن کتابک الذي کنت تتلوه ... . (همان: ۲۲۳)
>
> آگاه باش اول چیزی که آن دو فرشته می‌پرسند از خدایی است که او را عبادت می‌کردی و پیامبری که به سوی تو فرستاده شد و دینی که بدان پایبند بودی و کتابی که آن را تلاوت می‌کردی.

ج) فشار قبر

یکی از ویژگی‌های عالم برزخ «فشار قبر» است اما اینکه حقیقت فشار قبر چیست؟ آیا روح انسان تحت فشار قرار می‌گیرد؟ یا قالب مثالی؛ یعنی روح و جسم لطیف او (شبیه عالم خواب)؟ یا این که روح با همین جسد دنیوی رابطه برقرار کرده و خود را در فشار می‌نگرد؛ بعضی از روایات بیانگر دیدگاه سوم است، چنانکه محمدباقر مجلسی می‌نویسد:

> و انما السؤال و الضغطه في الاجساد الاصلیه و قد یرتفعان عن بعض المؤمنین. (همان: ۲۷۰)
>
> همانا سؤال قبر، و فشار قبر در جسدهای اصلی صورت می‌گیرد، و این دو برای بعضی از مؤمنین برداشته می‌شود.

بنابراین آنچه قطعی است وجود اصل «فشار قبر» است. این فشار قبر نسبت به افراد از نظر مدت، چگونگی، شدت و ضعف تفاوت دارد، برای عده‌ای شدید و برای برخی دیگر ملایم‌تر است. در برخی از روایات فشار قبر به‌عنوان کفاره گناهان قلمداد شده است چنانکه پیامبر اکرمﷺ در هنگام دفن سعد بن معاذ فرمود: «هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه در قبر فشاری دارد». (همان: ۲۶، ح ۱۶ و ۱۹)

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.7.3.6]

د) رابطه ارواح برزخی با دنیا

یکی از ویژگی‌های حیات برزخی، ارتباط مردگان با دنیای مادی است. در روایات بسیاری آمده است که پس از مرگ رابطه انسان با دنیا به‌طورکلی قطع نمی‌شود بلکه انسان کم‌وبیش از وضع این جهان آگاه است و می‌تواند با آن ارتباط برقرار نماید تا آنجا که در منابع حدیثی بخشی با عنوان «ان المیت یزور اهله» آمده است. در روایات اسلامی این نکته یادآوری شده است که افراد مختلف باایمان و بی‌ایمان گاهی به دیدار اهل خویش می‌آیند چنانکه در حدیثی از امام صادق‌علیه‌السلام آمده است:

> ان المؤمن لیزور اهله فیري ما یحبّ و یستر عنه ما یکره، و ان الکافر لیزور اهله فیري ما یکره و یستر عنه ما یحبّ. (کلینی، ۱۳۸۸: ۳ / ۳۳۰)
> مؤمن اهل خویش را زیارت می‌کند و آنچه او را خشنود می‌کند از آنان می‌بیند، ولی ناخوشایندی‌ها از دید او پنهان نگاه داشته می‌شود و کافر به‌عکس تنها بدی‌ها و ناخشنودی‌ها را می‌نگرد و خوشی‌ها را نمی‌بیند. (و غمگین می‌شود)

نتیجه اینکه: ارتباط ارواح در عالم برزخ با عالم دنیا به‌قدری است که آن ارواح، از آثار اعمال که در دنیا انجام داده‌اند و یا از کار خیری که دیگران به نیت آنان انجام می‌دهند بهره‌مند می‌گردند. آنچه که موجب نجات انسان در عالم برزخ است اعمال نیک اوست که در دنیا به‌جا آورده یا دیگران در حق آنان انجام داده‌اند؛ چنانکه امام علی‌علیه‌السلام می‌فرماید:

> همانا هر مسلمانی، دارای سه دوست است یکی از آنها می‌گوید: من تا هنگام مرگ با تو هستم و آن مال او است؛ و یکی از آنها می‌گوید: من تا کنار قبر، دوست تو هستم و آن «فرزندان او» هستند. ولی یکی از آنها می‌گوید: «انا معک حیا و میتا»، من در زندگی و مرگ، همواره همراه تو هستم و آن عمل او است. (صدوق، ۱۳۶۱: ۲۳۲)

و نیز امام صادق‌علیه‌السلام می‌فرماید:

> شش چیز است که مؤمن پس از مرگ از آن بهره‌مند می‌شود: فرزند شایسته‌ای

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.7.3.6]

که برای او استغفار کند؛ قرآنی که مردم آن را بخوانند؛ چاه آبی که حفر نموده و از آن استفاده می‌شود؛ درختی که نشانده و آب جاری که در اختیار مردم بگذارد و سنت نیکی که بعدا به آن عمل شود. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶ / ۲۹۳)

ناگفته نماند: همان‌گونه که انسان در عالم برزخ از اعمال نیک خود بهره‌مند می‌شود از آثار اعمال ناشایست خود نیز در این عالم رنج خواهد کشید. چنانکه رسول اکرمﷺ در حدیثی فرمود:

و من سنّ سنّه سیّئه فیعمل بها بعده کان علیه وزره و مثل اوزارهم من غیر ان ینقص من اوزارهم شیئا. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶ / ۲۹۳)
و کسی که سنت بدی، پدید آورد و پس از مرگش به آن سنت بد، عمل شود، اثر آن سنت و آثار بد عمل‌کنندگان به آن سنت، به او می‌رسد بی‌آنکه از آثار بد عمل‌کنندگان، چیزی از آنان کاسته شود.

بهره‌مندی انسان از دعای خیر دیگران، داشتن فرزندان شایسته و خلف صالح، برخورداری انسان در عالم برزخ از آثار سوء یا آثار خیر سنت‌های به‌جا مانده و مانند آن همگی دلیل بر وجود عالم برزخ و حیات برزخی است و این‌گونه روایات به‌طور گسترده در منابع روایی فریقین آمده است.

ه) پاداش‌های اهدایی در برزخ

باید توجه داشت که انجام کارهای نیک مانند: حج، صدقه، روزه و ... به نیابت از میت، پاداش و بهره‌مندی از آن، در عالم برزخ برای میت خواهد بود.

احادیث فراوانی وجود دارد که ارواح مؤمنان به‌واسطه هدایایی که از طرف خویشان و دوستان برای آنها فرستاده می‌شود، خشنود می‌گردند.

چنانکه از امام صادقؑ می‌فرماید:

ان المیت لیفرح بالترحم علیه و الاستغفار له کما یفرح الحي بالهدیه. (فیض کاشانی، ۱۳۸۷: ۸ / ۲۹۲)
میت با طلب رحمت و استغفار برای او خوشحال می‌شود، چنانکه انسان زنده به‌واسطه هدیه خشنود می‌گردد.

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.7.3.6]

و از پیامبر اکرمﷺ نیز روایتی به همین مضمون آمده است:

ان هدایا الاحیاء للاموات الدعاء و الاستغفار. (همان: ۲۹۱)
همانا هدیه زندگان به مردگان دعا و استغفار است.

همچنین امام رضاؑ در روایتی می‌فرماید:

ما من عبد زار قبر مؤمن فقرء علیه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيلَةِ الْقَدْرِ» سبع مرات الاّ غفر الله له و لصاحب القبر. (همان: ۲۹۰)
هیچ مؤمنی نیست که به زیارت قبر مؤمنی برود و سوره انا انزلناه را هفت‌بار قرائت کند، مگر اینکه خدا او و صاحب قبر را می‌آمرزد.

و) تکامل در برزخ

درباره فلسفه وجود عالم برزخ و ضرورت آن چند نکته وجود دارد:

یک. انسان تا دوران تکامل عالم برزخ را سپری نکند، ورود به عالم دیگر برای او میسر نمی‌شود. آدمی برای نیل به بهشت و جهنم ابدی باید شرایط برزخی را بگذراند تا در سایه تکامل ذاتی و جوهری، جسم و روح مناسب با ابدیت را احراز نماید.

دو. یکی از فواید عالم برزخ فرصت جبران برخی از اعمال است. اگر کسی دینی برعهده دارد می‌تواند با وصیت و انجام آن ازسوی وارثان از خود رفع عقاب نماید.

سه. از روایات استفاده می‌شود که در عالم برزخ بخشی از کمبودهای معرفتی انسان‌های مؤمن جبران می‌گردد. درست است که در عالم برزخ جای عمل صالح نیست ولی می‌تواند محل معرفت بیشتر باشد. چنانکه امام موسی بن جعفرؑ می‌فرماید:

من مات من اولیائنا و شیعتنا و لم یحسن القرآن علم في قبره لیرفع الله به من درجته، فان درجات الجنه علي قدر آیات القرآن، یقال له اقرء و ارق، فیقرء ثم یرقي. (کلینی، ۱۳۸۸: ۲ / ۶۰۶)
هر کس از دوستان و پیروان ما بمیرد و هنوز قرآن را به‌طور کامل فرانگرفته باشد، در قبرش به او تعلیم می‌دهند تا خداوند بدین‌وسیله درجاتش را بالا برد؛

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.7.3.6]

چراکه درجات بهشت به‌اندازه آیات قرآن است، به او گفته می‌شود. بخوان و بالا رو، او می‌خواند و بالا می‌رود.

نتیجه اینکه: هر چند در عالم برزخ توانایی بر خطا و ثواب وجود ندارد و آنجا دیگر عالم تکلیف نیست، اما براساس برخی از روایات، انسان پس از مرگ نیز می‌تواند به‌واسطه داشتن سرمایه‌هایی از دنیا تغذیه شود و به تکامل و رشد برسد. یکی از این سرمایه‌ها سنت حسنه و پی‌ریزی سیره نیک در جامعه است، چنانکه امام حسین علیه‌السلام از نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت فرموده است:

هر کس سیره و روش خوبی را در جامعه بنیان نهد، اجر آن سیره و اجر کسانی که تا قیامت به آن سیره عمل می‌کنند برای او خواهد بود، بدون آنکه از اجر عاملین به آن چیزی کاسته شود. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۹۳ و ۲۹۴)

همان‌گونه که اثر سنت حسنه باقی است اثر سیره سیئه نیز ممتد و دامنه‌دار است. براساس روایات کسی که سنت بدی را در جامعه بنیان نهد و دیگران از او پیروی کنند هر بار که آن سیره مورد عمل واقع شود برای بنیانگذار آن سیره گناه تازه‌ای ثبت می‌شود، چنانکه امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

هر بنده‌ای از بندگان خدا روش گمراه کننده‌ای را بین مردم ایجاد کند برای او گناهی همانند گناه کسانی است که مرتکب آن عمل شده‌اند بدون آنکه از گناه عمل‌کنندگان به آن کاسته شود. (همان: ۲ / ۲۴)

بنابراین یکی از تفاوت‌های عالم برزخ و قیامت در این است که پرونده انسان در عالم برزخ تغییر می‌کند اما در عالم آخرت تغییرناپذیر است.

ز) آگاهی و درک انسان در برزخ

از متون دینی استفاده می‌شود که با فرا رسیدن مرگ نه تنها شعاع دید و درک انسان کمتر نمی‌شود، بلکه بر وسعت آن افزوده می‌گردد. چنانکه امام علی علیه‌السلام فرمودند: «مردم خوابند همین که می‌میرند بیدار می‌شوند.» (فیض کاشانی، ۱۳۸۷: ۷ / ۴۲) این فرمایش امام را به دو گونه می‌توان معنا کرد:

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.7.3.6]

یک. منظور این است که در دنیا چیزهایی است که انسان از آنها غافل است و پس از مرگ متوجه آنها می‌شود و این عبارت کنایه از هوشیاری بعد از غفلت است.

دو. معنای دیگر که استاد مطهری بیشتر بر آن تکیه دارد این است که درجه حیات بعد از مردن از پیش از مردن کامل‌تر و بالاتر است. همان‌طور که انسان در حال خواب از درجه درک و احساس ضعیفی برخوردار است و حالتی نیمه زنده و نیمه مرده دارد و هنگام بیداری آن حیات کامل‌تر می‌شود، همچنین حالت حیات انسان در دنیا نسبت به حیات برزخی درجه‌ای ضعیف‌تر است و با انتقال انسان به عالم برزخ کامل‌تر می‌شود. (مطهری، ۱۳۶۴: ۲ / ۵۲۳)

ح) تمثل اعمال در برزخ

براساس روایات، اعمال هر انسان از لحظه مرگ؛ یعنی در مراحل ابتدایی عالم برزخ، تمثل و تجسم می‌یابد و صاحب قبر با چشم برزخی آن را می‌بیند و تا زمان برپایی قیامت با او خواهد بود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

> وقتی شخص با ایمان را در قبرش می‌گذارند دری به رویش گشوده می‌شود و جایگاه خود را در بهشت می‌بیند. از آن دری که به عالم غیب گشوده شده صورتی زیبا خارج می‌شود و شخص با ایمان به او می‌گوید: «تو کیستی؟» که من از تو زیباتر ندیده‌ام و تا قیامت با تو هستم و از تو جدا نمی‌شوم.
> هنگامی که شخص کافر را در قبرش می‌گذارند دری به رویش گشوده می‌شود و جایگاه خود را در آتش می‌بیند. سپس از آن درب صورتی زشت و کریه خارج می‌شود و شخص کافر به او می‌گوید: تو کیستی که من صورتی از تو قبیح‌تر ندیده‌ام؟ پاسخ می‌دهد: من عمل بد تو هستم که در دنیا انجام می‌دادی و نیت ناپاک تو هستم که در دل داشتی و تا قیامت با تو هستم و از تو جدا نمی‌شوم. (کلینی، ۱۳۸۸: ۳ / ۲۴۲ ـ ۲۴۱)

همچنین امام صادق علیه السلام در حدیثی دیگری می‌فرماید:

> هنگامی که جنازه انسان مؤمن را در میان قبر می‌گذارند نماز او در جانب راست و زکات او در جانب چپ او می‌ایستد، و احسان او، بر او سایه می‌افکند و صبر و استقامت او در نقطه‌ای دورتر از آنها قرار می‌گیرد، آنگاه صبر به نماز و زکات و

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.7.3.6]

احسان می‌گوید: «مواظب رفیق خود باشید، اگر (در نجات او) درمانده شدید، من حاضرم». (همان: ۲ / ۹۰)

ط) شفاعت در برزخ

مطابق روایات، شفاعت اولیای خدا در عالم برزخ محدود است و ممکن است شفاعتی در کار نباشد. امام صادق‌علیه‌السلام در ضمن گفتاری به یکی از شیعیان فرمود:

اما في القيامه فكلكم في الجنه بشفاعه النبي المطاع، او وصي النبي، و لكني و الله اتخوّف عليكم في البرزخ. (همان: ۳ / ۲۴۲)

اما در قیامت همه شما با شفاعت پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله که شفاعتش پذیرفته می‌شود یا با شفاعت وصی پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله، در بهشت هستید، ولی سوگند به خدا در مورد عالم برزخ در رابطه با شما ترس دارم.

بنابراین می‌توان چنین استنباط کرد که موضوع شفاعت در عالم برزخ منتفی است و انسان با عمل خود دست به گریبان است و نتیجه عمل خوب یا بد خود را می‌بیند.

اما مطابق برخی از روایات و حکایات مانند حکایت سید حمیری، شاعر حماسه سرای اهل‌بیت‌علیهم‌السلام در هنگام مرگ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶ / ۱۷۹) برخی از مؤمنین مورد الطاف خاص و نجات بخش پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان‌علیهم‌السلام واقع می‌شوند، که می‌توان این الطاف خاص را به‌عنوان شفاعت آنها یاد نمود در این صورت این سؤال مطرح می‌شود که این دوگانگی روایات چگونه قابل توجیه است؟ پاسخ آنکه: در عالم برزخ شفاعت به‌طور عموم، برای همه نیست ولی شفاعت برای افراد خاص که در دنیا بر اثر تلاش‌های صادقانه توانستند گناهان خود را جبران کنند، باقی خواهد بود. بنابراین، آن روایاتی که شفاعت در عالم برزخ را نفی می‌کند، منظور شفاعت عمومی همانند شفاعت روز قیامت است و آن روایاتی که الطاف خاص و نجات‌دهنده اولیای خدا را در عالم برزخ، ثابت می‌نماید، منظور شفاعت آنها در مورد افراد خاص و برجسته است و محدود به حد ویژه‌ای می‌باشد.

ی) جایگاه ارواح مؤمنان و مشرکان در برزخ

در اینکه همه انسان‌ها با مرگ وارد عالم برزخ می‌شوند و یا اینکه عالم برزخ شبیه عالم ماده

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.7.3.6]

است اما آثار و عوارض آن را ندارد، شکی وجود ندارد. اما درباره وجود جایگاه خاص برای ارواح مؤمنان، مشرکان، خوبان و بدان روایات مختلف است:

در روایات آمده است که ارواح مؤمنان در وادی السلام نجف دور یکدیگر جمع می‌شوند؛ (کلینی، ۱۳۸۸: ۳ / ۲۴۳) یعنی وادی امن و امنیت که ظهور آن وادی در این دنیا در سرزمین نجف اشرف است که وادی ولایت الهی است. و نیز امام صادق علیه السلام در حدیثی دیگر فرموده است:

> هنگامی که مؤمن از دنیا می‌رود، به او گفته می‌شود از غم‌های دنیا خلاص شدی، و هم اکنون رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام در پیش روی تو هستند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶ / ۱۸۴)

در مورد ارواح کفار و مشرکان و گناهکارانی که قابل عفو و بخشش نیستند نیز آمده است که ارواح آنان در «وادی برهوت» یمن خواهند بود. چنانکه امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

> ارواح کفار پس از مرگشان در وادی برهوت گردهم می‌آیند که آن وادی انواع شکنجه و عذاب‌ها را در خود دارد. (همان: ۲۷۹)

و نیز آن حضرت می‌فرماید:

> اگر آنچه مردگان پس از مرگ، مشاهده کرده‌اند شما هم می‌دیدید، وحشت می‌کردید و می‌ترسیدید و (سخنان حق را) می‌شنیدید و اطاعت می‌کردید، ولی آنچه آنها دیدند، از شما پوشیده است، اما به‌زودی پرده‌ها کنار می‌رود (و شما نیز مشاهده خواهید کرد). (سید رضی، ۱۳۷۰: خ ۲۰)

عبارت «اگر آنچه مردگان پس از مرگ مشاهده کرده‌اند» بیانگر آن است که هنگام مرگ، پرده از پیش چشم انسان به کنار می‌رود و او حقایق را به‌روشنی می‌نگرد. ابن ابی‌الحدید معتزلی شارح نهج‌البلاغه می‌گوید: «ممکن است مقصود این باشد که همه هنگام مرگ، امام علی علیه السلام را می‌بینند.» وی سپس با ذکر اشعاری که مضمون آن را امام علی علیه السلام به حارث همدانی فرموده، می‌گوید:

یا حار همدان من یمت یرنی من مؤمن او منافق قبلا
یعرفنی طرفه و اعرفه بعینه و اسمه و ما فعلا

(ابن ابی‌الحدید، ۱۴۱۸: ۱ / ۲۹۹)

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.7.3.6]

ک) جایگاه متوسطین و مستضعفین در برزخ

در برخی از روایات به سرنوشت مبهم این افراد تصریح شده که به‌طور قطع مقصود از آن بیان احوال آنان در قیامت نیست؛ زیرا در آخرت وضعیت همگان روشن می‌شود اما در شرایط برزخی که هنوز محاکمه نشده‌اند آینده آنها روشن نیست. در میان انسان‌ها گروهی هستند که به مجرد مرگ به حساب آنها رسیدگی نمی‌شود بلکه حساب آنان تا قیامت به تأخیر می‌افتد و منوط به امر خدا می‌گردد که آنان را عذاب کند و یا اینکه گناه آنان را بیامرزد. قرآن کریم از این گروه به‌عنوان مرجون لامر الله (توبه / ۱۰۶) و مستضعفین (نساء / ۹۷) یاد کرده است.

ل) جایگاه شهدا در برزخ

چنانکه قبلاً نیز گذشت از آیات زیادی می‌توان حیات و زندگانی شهیدان راه خدا را در عالم برزخ به‌دست آورد؛ چنانکه می‌فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» شهدا در عالم برزخ زنده‌اند و به مقام «عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» نائل آمده‌اند. قرآن در آیه‌ای دیگر درباره خشنودی شهدا می‌فرماید:

> فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. (آل‌عمران / ۱۷۰)
>
> آنها به آنچه خداوند از فضل خود داده است خشنودند و نسبت به کسانی که به آنها ملحق نشده‌اند نیز بشارت می‌دهند که هیچ ترس و اندوهی بر آنها نیست.

این آیه شریفه افزون بر حیات برزخی شهیدان به روزی معنوی و ملکوتی آنان تصریح نموده است. از این آیه رابطه میان شهدا و بازماندگان آنها در دنیا نیز فهمیده می‌شود و شهدا و مؤمنین از این نظر مورد رضایت پروردگار قرار می‌گیرند که در ارتباط با دنیا و بازماندگان، از بدی‌های آنان مطلع نمی‌شوند بلکه خوبی‌های آنان را می‌بینند.

حیات برزخی پیامبر و امام

فرقه وهابیت که به جمود فکری معروف و از عمق مسائل بی‌اطلاع‌اند با تکیه به ظاهر برخی

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.7.3.6]

از آیات قرآن و بدون بررسی و در نظر گرفتن آیات دیگر بر نفی هرگونه علم و حیات و آگاهی پس از مرگ حتی از پیامبرﷺ اصرار دارند. یکی از دلایل آنها برای نفی توسل همین ادعاست. آنها معتقدند که رابطه پیامبرﷺ با مردن به‌طورکلی با دنیا قطع می‌شود. آنان به آیاتی از قرآن نظیر آیه شریفه: «مَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ؛ (فاطر / ۲۲) یعنی تو نمی‌توانی سخن خود را به گوش آنها که در قبرها خفته‌اند برسانی.» و یا آیه شریفه: «فَإِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَى؛ (روم / ۵۲) تو نمی‌توانی سخن خود را به گوش مردگان برسانی.» استناد کرده و چنین استنباط کرده‌اند که مردگان حتی پیامبر مطلقا چیزی نمی‌فهمند درحالی‌که به آیات بیانگر وجود حیات برزخی برای همه انسان‌ها توجهی نکرده‌اند.

پیامبران مانند سایر انسان‌ها از حیات برزخی برخوردارند و آیات مورد بحث نشان از عدم درک مردگان به‌طور طبیعی و عادی و قطع ارتباط انسان در جهان برزخ با عالم دنیا دارد جز در مواردی که خداوند به برقراری ارتباط فرمان دهد. ازاین‌رو ما در شرایط عادی نمی‌توانیم با مردگان ارتباط برقرار کنیم. به این جهت است که پیامبرﷺ در جنگ بدر دستور داد اجساد کفار در چاهی افکنده شود آنگاه آنها را صدا زد و فرمود: آیا شما آنچه را که خدا و رسولش وعده داده بود به حق یافتید؟ من که آنچه را خداوند به من وعده داده بود به حق یافتم. در اینجا خلیفه دوم اعتراض کرد و گفت: ای رسول خدا، چگونه با اجسادی که روح در آنها نیست، سخن می‌گویی؟ پیامبرﷺ فرمود: شما سخنان مرا از آنها بهتر نمی‌شنوید چیزی که هست آنها توانایی پاسخگویی را ندارند. (بنگرید به: بخاری، ۱۴۱۱، ۵ / ۷۶ ـ ۶۶)

امام علیؑ نیز هنگامی که از صفین برمی‌گشت در کنار قبرستانی که پشت دیوار شهر کوفه قرار داشت ایستاد و آنها را مخاطب ساخته سخنانی در ناپایداری دنیا به آنها فرمود. سپس افزود: این خبری است که نزد ماست، نزد شما چه خبر است؟ آن حضرت در ادامه فرمود: اگر به آنها اجازه سخن گفتن داده شود به شما خبر می‌دهند که بهترین زاد و توشه آخرت تقوی است. (سید رضی، ۱۳۷۰: ح ۱۳۰)

آنچه بیان شد دلیل بر این است که مردگان سخنان را می‌شنوند و قادر بر پاسخگویی هستند اما اجازه پاسخگویی ندارند. دلیل دیگر بر شنوایی آنان تلقین «لااله الا الله» به

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.7.3.6]

مردگان است، چنانکه در روایات آمده است: «مردگان خود را تلقین لااله الا الله کنید». (مسلم بن حجاج، ۱۴۰۷: ۲ / ۶۳۱)

از سوی دیگر پیامبرﷺ و اولیای الهی با دیگران متفاوتند، آنها همانند شهدا بلکه در صف مقدم بر آنان قرار دارند و زندگان جاویدند و از روزی پروردگار بهره می‌گیرند و به فرمان خداوند ارتباط خود را با این جهان حفظ می‌کنند. همان‌گونه که در این جهان توانایی برقراری ارتباط با مردگان را داشته‌اند.

ازاین‌رو در روایات فراوانی که در منابع روایی فریقین آمده است، نقل شده که پیامبرﷺ و امامانؑ سخن کسانی را که از دور و نزدیک به آنها سلام می‌فرستند، می‌شنوند و به آنها پاسخ می‌گویند و حتی اعمال امت بر آنها عرضه می‌گردد. انس بن مالک از رسول خداﷺ نقل می‌کند که فرمود: انبیا در قبرهایشان زنده و نمازگزارند. (مناوی، بی‌تا: ۳ / ۱۸۴)

نکته دیگر این است که ما در تشهد نماز بر پیامبرﷺ سلام می‌فرستیم و این اعتقاد مورد عمل همه مسلمین است. ازاین‌رو چگونه ممکن است او را به چیزی که هرگز آن را نمی‌شنود مخاطب سازیم و دلیلی بر حمل این حقیقت بر مجاز وجود ندارد.

۱. استمرار حیات پس از انتقال از دنیا

از آیات قرآن به‌روشنی استفاده می‌شود که مرگ انسان پایان حیاتش نیست بلکه انتقال از حیاتی به حیات دیگر است. انسان با مرگ وارد عالم جدیدی می‌شود که عالی‌تر و گسترده‌تر از عالم مادی است؛ چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَى عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَى إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ. (زمر / ۴۲)

خداست که وقت مرگ ارواح خلق را می‌گیرد و آن را که هنوز وقت مرگش فرانرسیده در حال خواب روحش را قبض می‌کند سپس آن را که حکم به مرگش کرده جانش را نگه می‌دارد و آن را که حکم به مرگ نکرده به بدنش می‌فرستد تا وقت معین و این کار نیز ادله قدرت الهی برای اندیشمندان است.

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.7.3.6]

همچنین آیه ۱۶۹ سوره آل‌عمران بر استمرار حیات در عالم برزخ دلالت دارد.

از آیات دیگر نیز استفاده می‌شود که این حیات برزخی به شهدا اختصاص ندارد، بلکه شامل تمام افراد صالح و مؤمنان مطیع نیز می‌شود، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

وَمَنْ يطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيهِمْ مِنَ النَّبِيينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا. (نساء / ۶۹)

آنان‌که خدا و رسول را اطاعت کنند، البته با کسانی که خدا به آنان لطف و عنایت کامل فرمود یعنی با پیامبران و صدیقان و شهیدان و نیکوکاران محشور خواهند شد و اینان رفیقان نیکویی هستند.

۲. وجود ارتباط میان حیات برزخی و حیات مادی

از مجموع آیات و روایات استفاده می‌شود که میان حیات برزخی و مادی و انسان‌های عالم برزخ و دنیا ارتباط برقرار است، بدین معنا که انسان‌ها هنگامی که در عالم مادی آنها را صدا می‌زنند، می‌شنوند و هنگامی که از آنان سؤال و درخواست می‌کنند به اذن خداوند متعال جواب می‌دهند. در ادامه به برخی از این آیات و روایات اشاره می‌شود:

الف) آیات

خداوند متعال درباره قوم صالح می‌فرماید:

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ * فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ. (اعراف / ۷۹ ـ ۷۸)

پس زلزله‌ای بر آنان آغاز گردید تا آنکه همه در خانه‌هایشان از پای در آمدند. چون علائم عذاب رسید صالح از ایمان قوم ناامید شد و از آن روی گردانید و گفت: ای قوم من از خدای خود ابلاغ رسالت کردم و شما را اندرز دادم و لکن شما ناصحان را دوست نمی‌دارید.

درباره قوم شعیب نیز این گفتگو آمده است. در قرآن آمده است:

وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً يعْبَدُونَ. (زخرف / ۴۵)

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.7.3.6]

از رسولانی که پیش از تو فرستادیم بازپرس که آیا ما جز خدای یکتای مهربان خدای دیگری را هم معبود مردم قرار دادیم.

همچنین در آیاتی بر انبیای گذشته سلام فرستاده شده است: «**سلام علي نوح في العالمين، سلام علي ابراهيم، سلام علي موسي وهارون، سلام علي آل‌ياسين، سلام علي المرسلين**».

از این آیات به‌خوبی دانسته می‌شود که میان عالم مادی و عالم برزخ ارتباط برقرار است.

ب) روایات

پیامبر اسلامﷺ فرمود:

هر مسلمانی بر قبر برادر مؤمنش عبور کند، درحالی‌که او را در دنیا می‌شناخته و از او سؤال کند، خداوند روحش را برمی‌انگیزد تا جواب او را بدهد. (ابن‌قیم جوزیه، بی‌تا: ۹)

بیهقی از سعید بن مسیب نقل می‌کند: ما با علی بن ابی‌طالبؑ به قبرستان مدینه وارد شدیم، حضرتؑ ندا داد: ای اهل قبرستان! سلام و رحمت خدا بر شما باد، آیا از خبرهای خود بر ما می‌گویید یا ما شما را خبر دهیم؟

سعید می‌گوید: صدایی شنیدیم که در جواب گفت: «**و عليكم السلام و رحمة الله و بركاته يا اميرالمؤمنين**» خبر ده ما را از آنچه اتفاق افتاد. علیؑ فرمود: اما زنان شما به همسری دیگران در آمدند، اموال شما تقسیم شده و اولاد شما نیز در زمره ایتام در آمدند. ساختمان‌هایی که بنا کردید دشمنانتان در آنها ساکن شدند. این خبرهایی است که نزد ماست، خبرهایی که نزد شماست چیست؟

سعید می‌گوید: مرده‌ای به صدا در آمد و گفت: هر آینه کفن‌ها پاره شد، موها ریخت، پوست‌ها از بدن جدا شد، حدقه‌ها بر صورت‌ها ریخت و از بینی‌ها چرک بیرون آمد. آنچه را فرستاده بودیم یافتیم، و آنچه را به‌جا گذاردیم خسارت دیدیم. (موسی محمد علی، ۱۴۰۵: ۸)

نتیجه

یکی از مهم‌ترین آموزه‌های دینی، حیات برزخی یا جهان پس از مرگ و مراحل مربوط به آن

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.7.3.6]

است. از دیدگاه دین مرگ پایان زندگی نیست؛ بلکه آغاز مهم‌ترین حوادث و رویدادهاست. بر این اساس بررسی عالم برزخ و اثبات آن از نظر عقل و برهان و آیات و روایات در خور دقت و تأمل است.

در این مقاله با استفاده از آیات و روایات به بررسی اجمالی عالم برزخ و حقایق و ویژگی‌های آن مانند: تکامل، تمثل، شفاعت و ارتباط ارواح با دنیا پرداخته شد.

منابع و مآخذ

۱. ابن ابی‌الحدید، ۱٤۱۸ ق، ***شرح نهج‌البلاغه***، بیروت، دار الکتب العلمیه.

۲. ابن‌فارس، احمد، ۱٤۰٤ ق، ***مقاییس اللغه***، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

۳. ابن‌قیم جوزیه، محمد بن ابی‌بکر، بی‌تا، ***الروح فی الکلام علی ارواح الاموات و الاحیا***، بیروت، دار الفکر العربی.

٤. بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱٤۱۱ ق، ***صحیح بخاری***، بیروت، دار الفکر.

۵. تویسرکانی، محمد نبی بن احمد، ۱۳۷۲، لئالی الاخبار، قم، علامه.

٦. حویزی، علی بن جمعه، ۱٤۱۵ ق، ***تفسیر نور الثقلین***، قم، مؤسسه اسماعیلیان.

۷. سید رضی، ۱۳۷۰، ***نهج‌البلاغه***، ترجمه مصطفی رحیمی‌نیا، تهران، انتشارات اسلامی.

۸. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۳٦۱، ***معانی الاخبار***، قم، جامعه مدرسین.

۹. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱٤۱۷ ق، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، ۱٤۰۸ ق، ***مجمع البیان***، بیروت، دار المعرفه.

۱۱. طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۸۳، ***التبیان فی تفسیر القرآن***، نجف، مکتبه الامین.

۱۲. طوسی، نصیرالدین، ۱۳۵۳ ق، ***تجرید الاعتقاد***، صیدا، مطبعه العرفان.

۱۳. فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۳۸۷، ***محجه البیضاء***، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۱٤. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳٦۷، ***تفسیر قمی***، قم، دار الکتاب.

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.7.3.6]

۱۵. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸ ق، ***کافی***، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

۱۶. مجلسی، محمدباقر، ۱٤۰۳ ق، ***بحار الانوار***، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۱۷. محمدی اشتهاردی، محمد، ۱۳۷۳، ***عالم برزخ در چند قدمی ما***، قم، مؤسسه انتشارات نبوی.

۱۸. مسلم بن حجاج، ۱٤۰۷ ق ، ***صحیح مسلم***، بیروت، دار الکتاب العربی.

۱۹. مطهری، مرتضی، ۱۳٦٤، ***مجموعه آثار***، قم، انتشارات اسلامی.

۲۰. موسی، محمد علی، ۱٤۰۵ق، ***حقیقه التوسل و الوسیله***، بیروت، عالم الکتب.

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.7.3.6]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1390.2.7.3.6] [Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]